

Islamic Public Diplomacy: Strategies and Tactics

Mehdi Omid¹, Mohammad Ali Bayani² 

¹ Associate Professor, Department of Political Science, Imam Khomeini Educational and Research Institute; and member of the Political Studies Association of the Seminary, Qom, Iran. omidmah@gmail.com

² PhD. student, Department of Political Science, Imam Khomeini Educational and Research Institute; and member of the Political Studies Association of the Seminary, Qom, Iran (**Corresponding author**). bayani2012@yahoo.com

Abstract

Public diplomacy represents a novel approach in states' foreign policy, employed toward nations while targeting elites and public opinion; although as ancient as governance itself, this concept was first utilized in its modern sense by Edmund Gullion in 1965. Today, it commands extensive scholarly research in Western academic circles, developing multiple models, diverse strategies, and varied tactics. While not originating from Islamic discourse, its structural and substantive capacities possess particular richness from this perspective—such that authentic components, strategies, and tactics must be sought within Islamic sources and thought. From an Islamic viewpoint, the world constitutes the "Abode of Invitation" (*dār al-da'wah*), summoning humanity toward monotheism, perfection, and felicity; thus, all nations are addressees of the Islamic state's public diplomacy, which endeavors to attract them through various strategies and tactics. The core research question is: "What are the strategies and tactics of Islamic public diplomacy toward nations to attract them to Islam?" Employing a descriptive-analytical method, "insight cultivation and awakening of nations," "resilience-strengthening of the global oppressed" (*mustaḍ'afīn*), "conciliation of hearts" (*ta'līf al-qulūb*), "migration for propagation" (*hijrah for da'wah*), and "deterrence capability utilization" were identified as the principal tactics of Islamic public diplomacy toward nations for attracting them to Islam. These strategies simultaneously demonstrate the humanistic and peace-seeking character of the Islamic state to the world while attracting others to Islam and its values; moreover, they generate profound, novel, and positive transformations, propagating Islam among distant and proximate nations, perpetually exhibiting high efficacy in creating appeal and influencing nations—which, if properly activated in the Islamic state's public diplomacy, can generate soft power and attract numerous hearts and nations to Islam. Presently, elements such as globalization, technological advancement, pervasive media, global trade, tourism, and global civil society have increasingly paved the way for the effectiveness of Islamic public diplomacy and its strategies and tactics.

Keywords: Islamic public diplomacy, Strategy and tactics, The oppressed (*mustaḍ'afīn*), Power.

Received: 2024-08-27 ; Received in revised form: 2024-09-30 ; Accepted: 2024-11-05 ; Published online: 2025-04-09

<https://doi.org/10.22034/sm.2025.1988889.2027>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



دیپلماسی عمومی اسلامی: راهبردها و تاکتیک‌ها

مهدی امیدوی^۱، محمدعلی بیانی^۲

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛ و عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران. omidimah@gmail.com
^۲ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛ و عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران (نویسنده مسئول). bayani2012@yahoo.com

چکیده

دیپلماسی عمومی رویکردی نو در سیاست خارجی دولت‌ها بوده که در قبال ملت‌ها به کار گرفته می‌شود و نخبگان و افکار عمومی را هدف قرار می‌دهد. دیپلماسی عمومی به اندازه حکومت و دولت قدمت دارد، اما برای اولین بار این مفهوم در سال ۱۹۶۵، توسط ادموند گولپون در معنای مدرن آن به کار رفت. امروزه این مفهوم، مطالعات و تحقیقات وسیعی را در مجامع علمی غرب به خود اختصاص داده و آن را برخوردار از مدل‌های متعدد، راهبردها و تاکتیک‌های مختلف ساخته است. اگرچه این مفهوم تولید شده در ادبیات اسلامی نیست، اما از این منظر، ظرفیت‌های شکلی و محتوایی آن از غنای خاصی برخوردار می‌باشد. به گونه‌ای که می‌توان مدعی شد مؤلفه‌های راستین و راهبردها و تاکتیک‌های آن را می‌بایست در منابع و اندیشه اسلامی جست‌وجو نمود. از منظر اسلامی، جهان «دارالدعوه» یعنی مکان دعوت مردم به سوی توحید، کمال و سعادت است و از این رو همه ملت‌ها مخاطب دیپلماسی عمومی دولت اسلامی هستند که با راهبردها و تاکتیک‌های مختلف به جذب آنها همت می‌گمارد. پرسش اساسی این است که: راهبردها و تاکتیک‌های دیپلماسی عمومی اسلامی در قبال ملت‌ها و به منظور جذب آنها به اسلام چیست؟ روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و «بصیرت‌افزایی و بیدارسازی ملت‌ها»، «مقاوم‌سازی مستضعفین جهان»، «تألیف قلوب»، «هجرت برای دعوت»، «بکارگیری قدرت بازدارندگی» به عنوان مهم‌ترین تاکتیک‌های دیپلماسی عمومی اسلامی در قبال ملت‌ها و به منظور جذب آنها به اسلام شناسایی شدند. این راهبردها ضمن آنکه چهره انسانی و صلح‌طلبی دولت اسلامی را به جهانیان نشان می‌دهند، باعث جذب آنها به اسلام و ارزش‌های آن نیز می‌شوند. همچنین، تحولات ایجابی بنیادین و بدیعی را از خود برجای گذاشته و موجب گسترش اسلام در میان ملت‌های دور و نزدیک می‌گردند و همواره از توانایی بالایی در ایجاد جذابیت و تأثیرگذاری بر ملت‌ها برخوردارند؛ که اگر به‌درستی در دیپلماسی عمومی دولت اسلامی فعال شوند، می‌توانند مولد قدرت نرم باشند و دل‌ها و ملت‌های زیادی را به اسلام جذب نمایند. امروزه، مؤلفه‌هایی مانند جهانی‌شدن، توسعه فناوری، رسانه‌های فراگیر، تجارت جهانی، تورسم و جامعه مدنی جهانی، راه را برای اثرگذاری دیپلماسی عمومی اسلامی و راهبردها و تاکتیک‌های آن بیش از پیش گشوده‌اند.

واژه‌های کلیدی: دیپلماسی عمومی اسلامی، راهبرد و تاکتیک، مستضعفین، قدرت.

استناد به این مقاله: امیدوی، مهدی؛ بیانی، محمدعلی (۱۴۰۴). دیپلماسی عمومی اسلامی: راهبردها و تاکتیک‌ها. *سیاست متعالیه*، ۱۳(۱): ۱۸۱-۱۹۸

ص ۱۸۱-۱۹۸. <https://doi.org/10.22034/sm.2025.198889.2027>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

ارتباط و پیوند مؤثر با مردم و توده‌های مختلف اجتماعی مهم‌ترین هدف مکاتب فکری، ادیان الهی و نظام‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی است. دیپلماسی عمومی که دانش مرتبط با این ارتباط در علوم سیاسی و رویکردی نو در سیاست خارجی کشورها است؛ بیشتر نخبگان و افکار عمومی ملت‌ها را هدف قرار می‌دهد. در سال‌های اخیر، تحقیقات وسیعی درباره آن در مجامع علمی جهان صورت گرفته؛ اما از منظر اسلامی، بررسی چندانی نشده است. در صورتی که پیشینه این نوع رفتار در قبال ملت‌ها از منظر اسلامی گسترده‌تر و طولانی‌تر است و به آغاز رسالت پیامبر(ص) بازمی‌گردد؛ لذا، ضرورت پرداختن بدان از اهمیت برخوردار می‌باشد. این نوشتار، ضمن مفروض گرفتن دیپلماسی عمومی اسلامی، درصدد پاسخ به این پرسش است که: راهبردها و تاکتیک‌های دیپلماسی عمومی اسلامی در قبال ملت‌ها و به‌منظور جذب آنها به اسلام چیست؟ دولت اسلامی در راستای جذب ملت‌ها چگونه منابع فرصت‌ساز قدرت نرم خودش را در سیاست‌های مختلف، مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد؟ پیشینه تاریخی دیپلماسی عمومی در غرب به بیش از یک سده بازمی‌گردد؛ اما بهره‌برداری از آن مورد توجه بسیار است. به‌گونه‌ای که دولت‌ها بیش از دیگر ابزارها در جهت تأمین منافع ملی خودشان، بر دیپلماسی عمومی تأکید می‌ورزند. همچنین در ارتباط با دیپلماسی عمومی، تحقیقات گسترده و متنوعی در مراکز علمی و تحقیقاتی غرب و به‌خصوص در آمریکا صورت گرفته است و از این جهت، منابع خارجی آن بسیار متنوع و فراگیر می‌باشد. اما پرسش از «دیپلماسی عمومی اسلامی» کاملاً مسئله نو و جدیدی تلقی می‌شود. علت آن نیز جدید بودن دیپلماسی عمومی در اندیشه سیاسی جهان و فقدان ادبیات تولیدشده در ارتباط با آن، در اندیشه اسلامی است. با وجود این، اگر دیپلماسی عمومی را به‌معنای روابط یک دولت با ملت‌های دیگر بدانیم، بدون شک، این روابط در دولت اسلامی با ملت‌های دیگر نیز وجود دارد. لذا، طرح آن از منظر اسلامی، هم ضروری و هم به‌لحاظ علمی موجه می‌باشد.

۲. مبانی نظری (مفهوم‌شناسی)

تعاریف، فهم درست از مفاهیم را برای مخاطب تسهیل نموده و موجب فهم مشترک می‌گردند. ضرورت این کار ناشی از عدم اجماع بر تعریف واحد از مفاهیم علوم انسانی، علی‌رغم کاربرد گسترده و فراگیرشان می‌باشد.

۲-۱. دیپلماسی

دیپلماسی از ریشه یونانی «Diploma» به معنای نوشته طومارگونه است که به موجب آن امتیازهای خاصی

به کسی داده می‌شود. به مرور و با رونق گرفتن مبادله‌های اسنادی میان دولت‌ها و استخدام افراد برای نگهداری آنها، واژه «دیپلمات» و «دیپلماسی» وارد ادبیات سیاسی گردید و به مسئولیت و فرستادگان دولت‌ها نزد دولت‌های دیگر اطلاق شد (سجادی، ۱۳۸۳: ص ۱۹). بدلیل اسلامی آنها، واژه‌های «تبلیغ»، «سفارت» و «رسالت» هستند و به دیپلمات «مبلّغ»، «سفیر» و «رسول» گفته می‌شود (جمشیدی، ۱۳۹۰: ص ۶۶). در اصطلاح به معنای: «فن مدیریت تعامل با جهان خارج توسط دولت‌ها» (فاطمی صدر، ۱۳۹۳: ص ۲۲) بوده و در یک چشم‌انداز کلان عبارت است از: «فرآیند ارتباط بین بازیگران بین‌المللی که قصد دارند از طریق مذاکره، تعارض خودشان را بدون جنگ، حل و فصل نمایند» (بیلیس و همکاران، ۱۳۸۳: ص ۷۱۵). در واقع، دیپلماسی فعالیت سیاسی، از عناصر اصلی قدرت و معطوف به این هدف است که کشورها اهداف سیاست خارجی خود را بدون توسل به زور، تبلیغات و یا قانون به دست آورند (Berridge, 2002: p. 1).

۲-۲. دیپلماسی عمومی

با توجه به تحولات ساختاری و کارکردی در نظام بین‌الملل، نقش و جایگاه افکار عمومی، تأثیر تصویرسازی‌ها، باورسازی‌ها و فرهنگ‌سازی‌ها بر رفتار انسان‌ها و جابه‌جایی ماهیت منابع قدرت از سخت به نرم (خسروی و جباری ثانی، ۱۳۹۰: ص ۸۸)، نوع خاصی از ارتباط جدید که فراتر از مناسبات بین دولت‌ها است، به وجود آمده، که در آن ملت‌ها به جای دولت‌ها هدف‌گیری می‌شوند. دیپلماسی عمومی، از سال ۱۸۵۶ تا سال ۱۹۶۵ در سرمقاله‌ها، گزارش‌های روزنامه‌های جهان و در معانی مختلفی به کار رفته است. اما اینکه گفته می‌شود برای اولین بار در سال ۱۹۶۵، توسط «ادموند گولین» ابداع گردید، بدان معنا است که وی نخستین کسی بود که این اصطلاح را در معنای مدرن آن به کار برد (Snow & Taylor, 2009: p. 19). در واقع، این مفهوم توسط ایشان به‌طور استدلالی ارائه و ابداع شد (میلسن، ۱۳۸۷: ص ۴۴). اما، تا سال ۱۹۷۲ حتی در یک عنوان کتاب دانشگاهی دیده نشده است (همان: ص ۲۱). به مرور و با توجه به نیاز کشورهای بزرگ، در سیاست خارجی کشورها راه‌یافت که آغاز آن را می‌توان زمان جنگ سرد و اوج آن را بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ دید. این رویداد سبب شد تا توجه دولت و مردم آمریکا به تهدید تروریسم بین‌الملل معطوف گردد (Melissen & Fernandez, 2011: p. 154). دیپلماسی عمومی دارای تعاریف متعدد می‌باشد که بی‌طرفانه‌ترین آن عبارت است از: «فرآیندی دولتی از برقراری ارتباط با مردمان خارج در راستای ایجاد فهمی از ایده‌ها و ایدئال‌ها، نهادها و فرهنگ، و نیز اهداف سیاسی و خط‌مشی‌های ملت خود» (ایزدی، ۱۳۹۰: ص ۳۶). تعاریف جانب‌دارانه آن، متناسب با سیاست کشورها، متفاوت است. چنانچه کمیسیون مشورتی

دیپلماسی عمومی دولت آمریکا، این‌گونه تعریف می‌نماید: «فرآیند اطلاع‌رسانی، تعامل و تأثیرگذاری بر مردمان کشورهای خارجی؛ به‌گونه‌ای که مردمان آن کشورها در نتیجه این فعالیت‌ها، حکومت‌های خود را ترغیب کنند تا از سیاست‌های کلیدی آمریکا حمایت نمایند» (همان: ص ۳۶). در واقع، دیپلماسی عمومی: «دربرگیرنده تلاش‌های دولت یک ملت برای تأثیر گذاشتن بر نظرات عامه مردم یا نخبگان یک ملت دیگر به‌منظور چرخش سیاست خارجی ملت هدف به‌سوی منافع کشور اول می‌باشد» (مانهایم، ۱۳۹۰: ص ۲۵).

تفاوت دیپلماسی با دیپلماسی عمومی در آن است که اولی معطوف به ارتباط میان نمایندگان دولت‌ها است (میلسن، ۱۳۸۷: ص ۴۲)؛ اما دومی، مخاطبان خود را در میان ملت‌ها می‌جوید، فعالیت‌های آن، معرف دیدگاه‌های متفاوت است که علاوه‌بر دیدگاه دولت، شامل افراد و سازمان‌های غیردولتی نیز می‌شود. غیررسمی بودن، مشخص نبودن هدف، فراگیرتر بودن مخاطبان، تنوع ابزار و امکانات، از دیگر مشخصات آن است (اخوان‌کاظمی، ۱۳۹۲: ص ۱۷). هدف در دیپلماسی، اطمینان یافتن از نیت مثبت یک دولت خارجی و در دیپلماسی عمومی، از یک جمعیت خارجی می‌باشد (ذهارنا، ۱۳۹۲: ص ۱۶۶). دیپلماسی، معادلی هم‌تا با «سیاست خارجی» و دیپلماسی عمومی به‌کارگیری کلیه ابزارهای قدرت نرم برای تحقق اهداف سیاست خارجی از مسیر افراد و ساختارهای غیررسمی و غیردولتی در کنار افراد رسمی و دولتی می‌باشد (بشیر، ۱۳۹۵: ص ۱۱۶-۱۱۷). مزیت‌های دیپلماسی عمومی نیز عبارتند از: ۱) عدم مواجه شدن با مقاومت؛ زیرا قدرت نرم و فرهنگ، ضمیر ناخودآگاه مخاطب را هدف قرار می‌دهد. ۲) عاری بودن از لحنی خصمانه و آمرانه؛ چون دارای جذابیت است. ۳) نامحسوس بودن؛ زیرا با اذهان سروکار دارد. ۴) حوزه مانور و دامنه تأثیرگذاری بالا؛ زیرا افراد، نهادها و بازیگران غیررسمی نیز در آن نقش دارند. ۵) ترویج ارزش‌های مشترک و جهان‌شمول. ۶) کاربست ارزش‌های فرهنگی در آن، زمینه‌ساز تفاهم بیشتر و روابط عمیق و پایدار فرهنگی است؛ که می‌تواند در حوزه‌های دیگر نیز تسری یابد. ۷) جذابیت؛ چون برخوردار از ابزارهای نرم و فرهنگی است. ۸) خلاقیت، انعطاف‌پذیری و فرصت‌سازی از دیگر مزایای آن می‌باشد (خانی، ۱۳۸۴: ص ۱۳۸-۱۳۹). خلاصه تفاوت‌ها و مزیت‌های دیپلماسی عمومی با دیپلماسی در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱- تفاوت‌های دیپلماسی با دیپلماسی عمومی

مؤلفه‌ها	دیپلماسی	دیپلماسی عمومی
سیاست‌ها	مخفی و پنهان	علنی و آشکار
مخاطبان	دولت‌ها (دولت‌محور)	مردمان و ملت‌های دیگر (مردم‌محور)
محورها	در ارتباط با رفتار دولت‌ها	در ارتباط با گروه‌های خاص یا عموم جامعه هدف

مؤلفه‌ها	دیپلماسی	دیپلماسی عمومی
عملکرد	غیرشفاف و محدود	شفاف و گسترده
موضوع	رفتار و نوع عملکرد دولت‌ها	نوع رفتار و نگرش مردم
جنبه	نرم‌افزاری و سخت‌افزاری	نرم‌افزاری
ابزارها	محدود	متنوع
شاکله	دستگاه ارتباطی	اقتناع و جذابیت
کارکرد	انتقال سیاست‌ها	انتقال عقاید و ارزش‌ها
قلمرو	سرزمین	ذهن و افکار
مجری	خاص	عام

۲-۳. دیپلماسی عمومی اسلامی

دیپلماسی عمومی اسلامی، فرآیند و ابزاری است که به‌وسیله آن، ارتباطات مستقیم و غیرمستقیم دولت اسلامی با همه انسان‌ها و ملل جهان برای دعوت به اسلام، گسترش ارزش‌های آن و تحقق اهداف دولت اسلامی دنبال می‌گردد. به همین جهت، پیامبر اسلام (ص) در روابط خود با قبایل، اقوام، ملت‌ها و سران کشورها، مردم را صاحبان اصلی حق برقراری روابط دیپلماتیک می‌شمارد (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ص ۲۷۳). از این‌رو، می‌توان شاخص‌های ذیل را وجه ممیز آن از دیپلماسی عمومی رایج دانست: کاربست دائمی، تأمین سعادت دنیا و آخرت، تأکید بر انتخاب آگاهانه، رعایت موازین اخلاقی، برخوردار از مخاطب جهانی، دعوت به صلح و عدالت و تشکیل «امت» و «حکومت» جهانی.

۳. راهبردها و تاکتیک‌های دیپلماسی عمومی اسلامی

«راهبرد» به نقشه و پلان‌های ثابت، لایتغیر و بلندمدت گفته می‌شود که برای نیل به یک هدف مشخص و بلندمدت ارائه می‌گردد (نوروزی خیابانی، ۱۳۸۰: ص ۲۴۷). در حالی که «تاکتیک» برای پلان‌های مقطعی و کوتاه‌مدت طراحی می‌شود. دولت اسلامی به‌عنوان یک بازیگر قوی و تحول‌خواه (تغییر وضع موجود به وضع مطلوب) در سیاست بین‌الملل و برخوردار از ایدئولوژی جهانی، همواره سعی دارد با تکیه بر ایجاد مفاهیم خاص و اهداف ویژه مانند گفتمان‌سازی ارزش‌های اسلامی، انسان و جامعه‌سازی در میان ملت‌ها و ساختارسازی در قالب‌های امت واحد جهانی، حکومت واحد جهانی و جهانی‌شدن تمدن اسلامی، بیش از همه به رویکرد ارتباطی خود با دیگران در قالب قدرت نرم همت گمارد و تفسیر نرم‌افزارانه از قدرت ارائه دهد. از این‌رو، دیپلماسی عمومی اسلامی قادر است به‌عنوان تنها ابزار کارآمد، آرمان‌گرایی موجود در اهداف دولت

اسلامی را به صورت واقع‌گرایانه، در عرصه جهانی به منصفه ظهور برساند. بدین ترتیب، دیپلماسی عمومی اسلامی برخوردار از سیاست‌های راهبردی و تاکتیکی متعدد است که موجب جذب ملت‌ها به ارزش‌های اسلامی و گسترش قلمرو نفوذ معنوی دولت اسلامی در میان آنها می‌گردد. این سیاست‌ها برخوردار از توانایی اقناع، جذب عمومی و به دور از مقاصد مادی‌گرایانه و اغواگرایانه‌اند. در ادامه، مهم‌ترین راهبردها و تاکتیک‌های دیپلماسی عمومی اسلامی بررسی و تبیین می‌گردد.

۳-۱. راهبردها

۳-۱-۱. بصیرت‌افزایی و بیدارسازی ملت‌ها

ملت‌ها همواره توسط حاکمان مستبد و ستمگیشان از علم و دانش منع می‌شدند تا به صورت ناخودآگاه به استضعاف و اطاعت بی‌چون و چرا کشانده شوند. اما دولت اسلامی با ملت‌ها از علم و آگاهی سخن می‌گوید و بیداری ملت‌ها را برای خودش یک راهبرد می‌داند. دیپلماسی عمومی اسلامی با استعمار و استعمارگره نخورده است؛ بلکه بسترساز آگاهی ملت‌ها است تا آگاهانه با آموزه‌های اسلام ارتباط برقرار نموده و آزادانه انتخاب‌گر باشند: «وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» (کهف: ۲۹). این راهبرد به این معنا است که ملت‌ها خودشان سرنوشت‌شان را تعیین کنند، خود را از سلطه مستکبرین و ظالمین رهایی بخشند و از قانون سعادت‌بخش پیروی نمایند. دیپلماسی عمومی اسلامی به دنبال گسترش همین پیام و حاکمیت قانون الهی به جای حاکمیت اراده انسان‌های مستکبر و فرهنگ سکولار است. دولت اسلامی با کاربست این راهبرد به دنبال بیداری و نجات ملت‌ها از سلطه مستکبرین است و نه به دنبال سلطه خودش بر ملت‌ها. به طور مثال، پیام پیامبر (ص) به حارث بن ابی‌شمر غسانی، از سلاطین غسان، این بود: «تورا دعوت می‌کنم که به خداوند واحد که شریک ندارد، ایمان بیاور تا حکومت تو باقی بماند» (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق: ص ۴۵۷). در پیامی دیگر به منذر بن ساوی فرمود: «واسلم يجعل الله لك ما تحت يدك». این نشان می‌دهد که هدف دولت اسلامی، سلطه سیاسی بر ملت‌ها نیست؛ بلکه بقای قدرت سیاسی در گرو رفتار عادلانه سلاطین را نیز تأیید می‌کند (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ص ۳۴۹). دولت اسلامی درصدد است با استفاده از دیپلماسی عمومی اسلامی، ملت‌ها را از یوغ حاکمیت جاهلان انسان رهانیده و عبید خداوند سازد؛ تا هم‌زمان به رفاه مادی و معراج دست یابند. از این منظر، کسی شایستگی حاکمیت دارد که به مصالح و منافع واقعی انسان آگاه باشد. ابعاد، شئون مختلف و اهداف انسان، قانون‌گذاری را می‌طلبد که از حب و بغض به دور، قانون‌شناس، آگاه بر مصالح جامعه و برخوردار از حق امر و نهی بوده و خودش ذی‌نفع نباشد

(مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ص ۲۳۹-۲۴۲). این شرایط، منحصرأ از آن خداوند است. «وَلَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» (آل عمران: ۶۴). بنابراین، کسانی از حق حاکمیت و قانون‌گذاری برخوردارند که از جانب خداوند مأذون باشند و این حق، در طول حاکمیت و قانون‌گذاری خداوند تعریف شود. چنانچه، امام حسین (ع) در وصف امامت و رهبری سیاسی جامعه انسانی می‌فرماید: «بر جانم سوگند امام جز کسی که براساس کتاب خدا حکم می‌کند و به قسط و عدالت قیام می‌نماید و راه حق را می‌پیماید، نیست» (مفید، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۳۹). بنابراین، دیپلماسی عمومی اسلامی به دنبال بصیرت‌افزایی و بیدارسازی ملت‌ها است. اگر ملت‌ها آگاه و بیدار شوند، مسئولانه و عاقلانه در برابر ظلم دولت‌های ستمگر قیام خواهند نمود و سرنوشت‌شان را به دست خواهند گرفت. تجربه‌های تاریخی نشان می‌دهد ملت‌هایی که به بصیرت واقعی دست یافته‌اند، پذیرای اسلام نیز شده‌اند. بیداری ملت‌ها هرگاه با احساس مسئولیت و مشارکت اجتماعی و سیاسی همراه شود، باعث تحول ژرف در زندگی اجتماعی ملت‌ها می‌گردد. برای تحقق این راهبرد در میان جوامع هدف می‌توان از شیوه‌ها، روش‌ها و ابزارهای ذیل بهره برد: مذاکره و گفت‌وگو، توزیع کتاب و مجله، تأسیس کتابخانه و مسجد، تبلیغ چهره به چهره، ایجاد کرسی‌های اسلام‌شناسی، استفاده از رسانه‌های نوظهور و غیره.

۳-۱-۲. مقاومت‌سازی مستضعفین و مظلومین جهان و حمایت از آنها

«مقاومت‌سازی مستضعفین و مظلومین جهان و حمایت از آنها» به‌عنوان یک راهبرد در دیپلماسی عمومی اسلامی مطرح است. دولت اسلامی ضمن حمایت مادی و معنوی از مستضعفین و مظلومین عالم، ملت‌ها را نیز در حمایت از آنها فرامی‌خواند تا هسته‌های مقاومت در سراسر جهان شکل بگیرد و مظلوم، یاری و ظالم سر جایش نشانده شود. «وَكُونُوا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَّ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» (نهج البلاغه، نامه ۴۷). کاربرد این راهبرد باعث جذب مستضعفین و مظلومین جهان به اسلام می‌شود و به همین دلیل، با دیپلماسی عمومی پیوند می‌خورد. طبق گفته‌های معصومین (ع)، یکی از راه‌های جلب دیگران، یاری‌رساندن به آنها در مواقع سختی‌ها و مشکلات است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۵، ص ۸۲). دولت اسلامی با برنامه‌های حیات‌بخش خودش به ملت‌های مستضعف و مظلوم ثابت می‌کند که حامی آنها است: «چرا در راه خدا، و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟ همان افراد (ستم‌دیده‌ای) که می‌گویند: «پروردگارا ما را از این شهر، که اهلش ستمگرند، بیرون ببر و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده و از جانب خود، یار و یابری برای ما تعیین کن» (نساء: ۷۵). در حالی که مدعیان دروغین حقوق بشر، از این

شعارهای میان‌تهی برای خودشان کسب منفعت می‌کنند. به گفته چامسکی: «آمریکا از حقوق بشر به مانند ردای اخلاقی برای جاه‌طلبی‌های هژمونیک خود استفاده کرده است» (هیوود، ۱۳۹۶: ص ۴۱۲). اسلام به کسانی که مورد ستم قرار گرفته‌اند، اجازه مبارزه مسلحانه داده و آنها را مورد یاری و نصرت الهی می‌داند (حج: ۳۹). در اندیشه سیاسی اسلام، مقاومت و حمایت از مظلوم و مستضعفان یک اصل است. این اصل زمانی مطرح شد که دفاع از قوم، قبیله و نزدیکان در جوامع بشری، ارزش تلقی می‌شدند. قبل از اسلام، نشانه‌هایی متعدد از نژادپرستی، تحقیر زنان، بردگان و باور به مبارزه بی‌رحمانه برای کسب سلطه، قدرت و ثروت در سراسر جهان به چشم می‌خورد. در گفتمان ظالمین و مستکبرین، همدردی با ضعفا معنا ندارد؛ یا باید آنها را لگدمال کرد و یا تا زمانی که توان دارند از ایشان بهره جست. این اسلام بود که ضمن طرح تئوری ظلم‌ستیزی و حمایت و دفاع از مظلوم و مستضعفان، عملاً نیز بردگان و مستضعفان را نجات داد و به آنها سیادت و آقایی بخشید. بنابراین، امروزه مقاومت‌سازی مستضعفین و مظلومین جهان و حمایت از آنها مهم‌ترین راهبرد دیپلماسی عمومی دولت اسلامی را شکل می‌دهد. هدف از این راهبرد نیز برداشتن زنجیرهای اسارت و بردگی از ملت‌ها و جذب آنها به اسلام است. به‌کارگیری این راهبرد به هدف نجات ملت‌های مستضعف از چنگال مستکبران، آنها را در آینده، بهترین جبهه همکار با دولت اسلامی در مقابل مستکبرین قرار خواهد داد. در واقع، این راهبرد، جزئی از اهداف فراملی دولت اسلامی است تا خواست حکومت عدالت‌گستر جهانی به‌دست وارثین واقعی زمین محقق شود. در این راهبرد، معرفی ارزش‌های اسلام، برقراری عدالت، حاکمیت مردمی و ریشه‌کنی ظلم، تبعیض و بی‌عدالتی دنبال می‌شود.

۳-۱-۳. اعتمادسازی مبتنی بر تشویق (تألیف قلوب)

این راهبرد در منابع دینی و سیره سیاسی پیامبر (ص) تحت عنوان تألیف قلوب تبیین شده است؛ که به‌معنای پیوند دادن و ارتباط ایجادکردن است (موسوی، ۱۳۸۴: ص ۱۲۱). در اصطلاح عبارت است از: حمایت مالی دولت اسلامی از غیرمسلمانان، مخصوصاً از سران آنها به‌منظور جذب آنها به اسلام یا اینکه در مواقع جنگی به مسلمانان کمک کنند و در مقابل مسلمانان قرار نگیرند. در واقع، به‌معنای ایجاد بازیگران و لابی‌های داخلی در میان ملت‌ها است که اهداف دولت اسلامی را به زبان بومی جامعه هدف، بازگو نمایند. چنانچه پیامبر (ص) بخشی از زکات و مالیات را به اینگونه مصارف اختصاص می‌داد (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ص ۲۷۵). زمانی که پیامبر (ص) این راهبرد را به‌کار می‌بست، عده‌ای از مسلمانان اعتراض می‌کردند و پیامبر (ص) در پاسخ می‌فرمود: «آیا برای مختصر گیاه سبزی از مال دنیا که من خواستم به‌وسیله آن، دل

جمعی را به دست آورم تا بلکه به این وسیله اسلام آورند، در دل خویش از من گله مند شدید؟» (موسوی، ۱۳۸۴: ص ۱۲۳). با این راهبرد می‌توان دشمنی را به اعتماد و مودت تبدیل نمود؛ امری که پیامبر (ص) بارها استفاده نمود و دل‌های بسیاری را به مهربانی و شفقت واداشت. برای نمونه، قبل از صلح حدیبیه، مردم مکه دچار کمبود مایحتاج و خشکسالی شده بودند. در چنین اوضاعی، پیامبر (ص) با اختصاص مبلغ قابل توجه ۵۰۰ سکه طلا برای کمک به مناطق قحطی‌زده، نظر بیشتر آنها را به خود جلب نمود و تحریم خرید غله یمامه نسبت به مشرکان را نیز لغو کرد (اخوان کاظمی، ۱۳۹۲: ص ۱۶۹). همچنین، در سال پنجم هجری، مردم مکه به دلیل درگیری با مسلمانان توانستند محصولات مُشک‌های - خود را صادر کنند. پیامبر (ص) در یک اقدام انسان‌دوستانه درصدد جذب آنها برآمد: «پیامبر (ص) خواست که دل آنان را به دست آورد. از این رو، همراه عمرو بن امیه ضمیری، مقداری خرما خوب برای ابوسفیان که در مکه بود اهداء کرد و نامه‌ای نیز به وی نوشت و از او درخواست پوست کرد» (حمیدالله، ۱۳۷۴: ص ۱۲۶). پیامبر (ص) در برخی موارد، زمین، چشمه آب، درختان خرما و یا محصولات آن را به افراد یا قبیله‌ای اعطا می‌کرد. هدف از این اعطاها تألیف قلوب بود (جمشیدی، ۱۳۹۰: ص ۴۹۴). این راهبرد را پیامبر (ص) به دو شیوه عملیاتی می‌کرد: گاهی برای جلب افراد و ملت‌ها، آنها را حمایت مالی می‌کرد و از بیت‌المال و غنائم جنگی چیزی به آنها می‌داد و گاهی در قبال اسلام آوردن سران قبائل و ملت‌ها، ریاست بر آن مردم را به سران قبائل می‌سپرد و یا ابقاء می‌کرد. به طور نمونه پیامبر (ص) در نامه‌ای به پادشاه غسانیان نوشت: «تو را دعوت می‌کنم که به خداوند یگانه که شریکی ندارد، ایمان آوری تا پادشاهی تو برایت باقی بماند» (احمدی میانجی، ۱۴۱۹: ج ۲، ص ۴۵۷). صدور مجوز پناه گرفتن مردم مکه در خانه ابوسفیان (طبری، ۱۳۶۳: ج ۳، ص ۱۱۸۳)، برگرداندن مال و کسان مالک بن عوف از سران فراری قبیله هوازن و اختصاص غنائم جنگ حنین به ابوسفیان بن حرب، صفوان بن امیه، عیینه بن حصن، اقرع بن حابس، علقمه بن علائه، مالک بن عوف و عباس بن مرداس (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ص ۴۱۲-۴۱۴)، در قالب این راهبرد قابل تحلیل است.

بنابراین، امروزه در کاربست این راهبرد در دیپلماسی عمومی دولت اسلامی می‌بایست به دو نکته توجه داشت:

۱- منابع اقتصادی برای دولت اسلامی دارای قابلیت تولید قدرت سخت و نرم به صورت همزمان است. چنانچه جوزف نای به‌زیبایی به این امر اشاره می‌کند: «یک اقتصاد موفق و رو به رشد، وسیله‌ای برای تحریم‌ها در اختیار قرار می‌دهد، می‌تواند الگو باشد و دیگران را جذب کند» (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ص ۲۲). از این رو، دولت اسلامی با در اختیار داشتن اقتصاد برتر، ضمن رسیدن به رشد و بالندگی، با بذل و بخشش آن

می‌تواند دل‌ها را به سمت خودش جذب نماید.

۲- هرکس و هرچیزی که به ترویج ارزش‌های الهی کمک نماید، باید مورد حمایت دولت اسلامی باشد. امروزه، حمایت از رسانه‌های همگرا و شخصیت‌های تأثیرگذار جهانی می‌تواند یکی از مصادیق تألیف قلوب باشد که می‌بایست در دیپلماسی عمومی دولت اسلامی مورد اهتمام قرار گیرد. در زمان پیامبر(ص) نیز کسانی که تألیف قلوب می‌شدند در واقع، افراد شاخص و یک رسانه در میان مردم و ملتشان بودند.

۳-۱-۴. عفو و گذشت از لغزش‌ها

عفو و گذشت، از آموزه‌های اخلاقی اسلام است و نقش اساسی در جذب افراد دارد. اسلام، دین اخلاق‌مدار و درصدد ترویج اخلاق و منش انسانی در میان ملت‌ها و جوامع بشری است. محور رفتار دیپلماتیک پیامبر(ص) با ملت‌های مختلف، اصول اخلاقی و ارزش‌های انسانی بود. تا آنجا که قرآن کریم، وی را با وصف «خُلُقِ عَظِيمٍ» می‌ستاید (قلم: ۴) و رفتار نرم و به‌دور از خشونت ایشان را عامل جذب مردم به مکتب وی معرفی می‌کند (آل‌عمران: ۱۵۵). خودش نیز خود را «تمام‌کننده مکارم اخلاق» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰۸، ص ۲۲۲) معرفی می‌کند. به همین جهت، پیامبر(ص) افرادی را که از روی جهالت دچار تقصیر می‌شدند، مورد عفو و بخشش قرار می‌دادند. البته این کار تا جایی مورد اهتمام است که موجب ضایع شدن حقی نباشد. عفو مردم مکه، نمونه بارز این راهبرد است که باعث جلب افراد و گروه‌های زیادی به اسلام شد (افتخاری، ۱۳۷۷: ص ۲۳۶). مبنای این راهبرد، دستور خداوند است که پیامبر(ص) را بدان سفارش می‌کند (اعراف: ۱۹۹). دائرة این راهبرد، شامل دشمن هم می‌شود: «در دشمنی با دشمن خود مدارا پیشه کن، زیرا امید است که روزی دوست تو شود» (نهج‌البلاغه، کلمات قصار: ۲۶۸).

در فتح مکه، عقل و شرع حکم می‌کرد که مشرکین به‌خاطر جنایات چندین‌ساله‌شان علیه اسلام و مسلمانان می‌بایست به‌شدت مجازات شوند. آن روز، برخی عَلمِ خشونت را برپا داشتند و با شعار «الیوم یوم الملاحمه»، سخن از انتقام می‌زدند. اما پیامبر(ص) به‌محض شنیدن شعار انتقام، دستور دادند تا عَلمِ رحمت و مودت را برپا نمایند و شعار «الیوم یوم المرحمه» را جایگزین نموده و داد از عفو و گذشت بزنند. شاید درک این راهبرد در آن شرایط برای بسیاری سخت و دشوار بود. اما به‌زودی نتایج آن مشخص شد و از مردم مکه که سال‌ها علیه اسلام از هیچ تلاشی فروگذار نکرده بودند، مسلمانان مطیع و مبارزان فردا در جبهه اسلام ساخت. فتح مکه نشان داد اسلام به‌دنبال خشونت و خون‌ریزی نیست. آن روز این سخن پیامبر(ص) «بروید و همه شما آزادید» (پانی پتی، ۱۴۱۲: ج ۱۰، ص ۳۶۳)، چنان طوفانی در سرزمین دل‌ها ایجاد نمود

که فوج فوج مسلمان می‌شدند (نصر: ۲). امام علی(ع) نیز در ارتباط با این راهبرد، جمله زیبایی دارد: «هنگامی که بر دشمنت پیروز شدی، عفو را شکرانه پیروزی قرار ده» (نهج البلاغه، کلمات قصار: ۱۱). در واقع، عفو در عین قدرت داشتن، قدرت نرم را افزایش می‌دهد. به همین جهت، مولوی درباره رفتار پیامبر(ص) با مکیان می‌گوید: «او به تیغ حلم چندین حلق را/ و اخیرید از تیغ و چندین خلق را/ تیغ حلم از تیغ آهن تیزتر/ بل ز صد لشکر ظفرانگیزتر» (مولوی، ۱۳۷۱: ص ۱۷۱). بنابراین، این راهبرد در دیپلماسی عمومی اسلامی به منظور «جذب حداکثری و دفع حداقلی» دنبال می‌شود. کاربست آن در قبال ملت‌های خاطی، ضمن آنکه قدرت دولت اسلامی و اخلاق اسلامی را به نمایش می‌گذارد، باعث جذب آنها به اسلام می‌گردد. چنانچه پیامبر(ص) در اوج قدرت، اعلان عفو عمومی می‌داد [فتح مکه] و در زمان مغلوب شدن پیروان دیگر ادیان، به آنها آزادی عبادت اعطا می‌کرد (فائزی، ۱۳۷۸: ص ۱۲۵). دولت اسلامی می‌بایست با تأسی به روش پیامبر(ص) و با کاربست این راهبرد در مواقع لزوم، دل‌ها را با خود همراه نماید.

۲-۳. تاکتیک‌ها

۱-۲-۳. هجرت برای دعوت

هجرت یکی از تاکتیک‌های دیپلماسی عمومی اسلامی برای دعوت ملت‌ها به اسلام است. البته نه هر نوع هجرت، بلکه هجرت برنامه‌ریزی شده و معطوف به هدف دعوت. چنانچه هجرت مسلمانان به حبشه، نقش شگرفی در گسترش اسلام داشت و هجرت پیامبر(ص) به مدینه منجر به تشکیل دولت اسلامی شد. این تاکتیک، هم «مسلمان‌ساز» (حبشه) و هم «حکومت‌ساز» (یثرب) است. مهاجر هرکجا برود، مردمان دیگر را تحت تأثیر فرهنگ و ارزش‌های خودش قرار می‌دهد. هجرت مسلمانان به حبشه در مسیر دعوت و دیپلماسی عمومی بود و صرفاً برای حفظ جان نبود. دلایل زیادی این امر را تأیید می‌کند، از جمله: بسیاری از مهاجرین را در مکه خطری تهدید نمی‌کرد، و این هجرت واکنش سریع قریش را به دنبال داشت و در «دارالندوه» برای آن تشکیل جلسه دادند و سرانجام، افرادی را برای برگرداندن مهاجران به حبشه فرستادند. همچنین سخنان جعفر در دربار حبشه یک کار دیپلماتیک بود که سرانجام هیئتی برای تحقیق به مکه آمدند و در دیدارشان با پیامبر(ص) به این نتیجه رسیدند که او واقعاً پیامبر است (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ص ۳۸۰-۳۰۹). لذا، هجرت، اسلام را از حصار قریش رها ساخت و زمینه گسترش و رشد کمی و کیفی آن را فراهم نمود. بنابراین، امروزه نیز، با توجه به این پتانسیل که بسیاری از کشورها مهاجرپذیر هستند، می‌توان از این طریق به ترویج ارزش‌های اسلام در جهان پرداخت. مشروط به آنکه مدیریت شده باشد؛ نه اینکه خود مسلمانان با کشتارهای

خانمان‌سوز، یکدیگر را آواره نمایند که در آن صورت، نتیجه معکوس خواهد داد. هجرت باعث می‌شود که مسلمانان، ضمن اهدای ارزش‌های خودشان به دیگران، آگاهی اجتماعی و جهانی را نیز با خود آورند و از این حیث نیز نقش مهمی در بالندگی و ایجاد تمدن جهانی اسلام ایفا نمایند. اسلام باید در وجود مسلمانان زنده باشد؛ اگر در جایی از حرکت و رشد بازماند، در جای دیگر انتقال یابد. با این تاکتیک می‌توان به اهداف ذیل دست یافت: نجات مسلمانان از محیط‌های خفقان، مطرح شدن اسلام در مقیاس جهانی، رساندن پیام اسلام به جهانیان و جذب دل‌های آماده و ملت‌های تشنه حق و عدالت به اسلام.

۳-۲-۲. تجارت و بازرگانی

نقش تجارت و تاجران مسلمان در گسترش اسلام از اهمیت زیادی برخوردار است و رابطه مستقیم میان راه‌یابی اسلام در برخی مناطق و کشورهای جهان با تجارت مسلمانان متدین وجود دارد. به‌گونه‌ای که می‌توان از این امر به‌عنوان یک تاکتیک در دیپلماسی عمومی اسلامی نام برد. پیشینه این تاکتیک به قبل از بعثت پیامبر (ص) که در یک سفر تجاری به شام می‌رفتند، برمی‌گردد. در این سفر، ملاقاتی با یک راهب مسیحی صورت گرفت که نوید بعثت را در آینده نزدیک می‌داد. همین امر، توجه‌ها را به سمت ایشان که در آن زمان به «محمد امین» معروف بود، جلب نمود. از این‌رو، نقش تجارت را در معرفی و گسترش اسلام می‌توان با تاکتیک هجرت یکسان دانست. نفوذ اسلام در بسیاری از کشورهایی که مسلمانان با فتح در آنها قدم نگذاشته‌اند، بیشتر از مسیر تجارت و هجرت بوده است. بازرگانان و تجار مسلمان در هرکجا که قدم می‌گذاشتند با اقامت، انجام مناسک عبادی و ازدواجشان با ملت‌های دیگر، آموزه‌های اسلام را ترویج می‌کردند (صانعی، ۱۳۹۱: ص ۱۶۰). در گذشته، تجار مسلمان برای اینکه تجارت‌شان رُبوی و حرام نشود، آموزش‌های لازم را می‌دیدند. بازارها در گذشته در کنار حوزه‌های علمیه بود تا آنها دسترسی آسان به مراجع علمی و فقهی داشته باشند. اگر خودشان بهره‌ای علمی نداشتند و جایی را مشاهده می‌کردند که زمینه گسترش اسلام در آنجا وجود دارد، در سفرهای بعدی، مبلغان اسلام را در جریان قرار می‌دادند و یا با خود یک عالم را می‌بردند. این امر، ناشی از حس مسئولیت دینی آنها بود. در واقع، معنویت و ارزش‌های اسلام در کنار دیگر کالاهای مادی صادراتی در دست بازرگانان متدین قرار می‌گرفت. بنابراین، امروزه در عصر ارتباطات و تجارت بین‌المللی نیز می‌توان با برنامه‌ریزی دقیق، راهی برای معرفی اسلام در جهان یافت و دیپلماسی عمومی تجاری را راه‌اندازی کرد. می‌بایست تاجران مسلمان را آموزش داد و دولت اسلامی باید از آنها به‌عنوان بازرگان مؤثر و مجریان دیپلماسی عمومی بهره‌گیرد.

۳-۲-۳. ازدواج و رابطه خویشاوندی با ملت‌ها

پیوند ازدواج، مهم‌ترین پیوند اجتماعی در تاریخ سیاسی ملت‌ها، به‌ویژه در محیط و فرهنگ عرب جاهلی بود؛ در چنین محیطی که پر بود از جنگ، خونریزی و غارتگری، این پیوند، بازدارنده از جنگ‌ها و عامل وحدت و الفت به‌شمار می‌آمد. در چنین شرایطی، پیامبر (ص) نیز می‌بایست با این تاکتیک، حامیانی را برای خود مهیا می‌کرد؛ چراکه محکم‌ترین رابطه در میان عرب جاهلی رابطه خویشاوندی بود و داماد قبیله را همواره از خود می‌دانستند، دفاع از او را لازم و تنها گذاشتن او را معصیت بزرگ می‌شمردند. پیامبر (ص) با قبایل بزرگ قریش به‌ویژه با قبایلی که بیش از دیگران با او دشمن بودند، مانند بنی‌امیه و بنی‌اسرائیل پیوند خویشاوندی برقرار کرد. به‌طور مثال، پیامبر (ص)، «ام حبیبه» دختر ابوسفیان را به ازدواج خود درآورد تا بدین ترتیب، داماد دشمن اصلی خود شده و از دشمنی قریش نسبت به خود بکاهد. این وصلت باعث شد تا ام حبیبه به عامل بسیار مؤثر برای تبلیغ اسلام در خانواده‌های مکه تبدیل شود (گنورگیو، ۱۳۷۶: ص ۱۸۱). همچنین، یهودیان از مخالفان سرسخت پیامبر (ص) بودند و دشمنی‌های فراوانی با پیامبر (ص) داشتند. اما از زمانی که حضرت با «جویریة» دختر حارث، رئیس طائفه بنی‌مصطلق و «صفیه» دختر حی بن‌اخطب، رئیس قبیله بنی‌نضیر ازدواج کردند؛ هیچ‌گونه تحرکی از سوی این دو قبیله در برابر آن حضرت مشاهده نشد. بنابراین، کاربست این تاکتیک، مبتنی بر شرایط و اقتضائات زمان است. به‌طور کلی، نمی‌توان گفت در همهٔ زمان‌ها کاربرد دارد. با وجود این، امروزه ازدواج مبلغان و مجریان دیپلماسی عمومی اسلامی، که می‌خواهند حضور فیزیکی در میان ملت‌ها داشته باشند، با ملت‌های دیگر، می‌تواند در ترویج اسلام میان ملت‌ها نقش ایفا نماید.

۳-۲-۴. به‌کارگیری قدرت بازدارندگی در جهت اعتلای فرهنگی

بازدارندگی، معمولاً در زمان جنگ و به‌منظور دستیابی به صلح به‌کار می‌رود؛ تا مانع دفع فیزیکی دشمن شده و به‌صورت روان‌شناسانه از تجاوز او جلوگیری نماید (کالینیز، ۱۳۷۰: ص ۱۶۱). «بازدارندگی، نوعی از اعمال سیاسی است که به‌طور آشکار بر مبنای تهدید به مبارزات و یا محروم کردن طرف مقابل از منافع خود استوار می‌باشد» (سنجابی، ۱۳۷۵: ص ۴۶). بازدارندگی «به‌کارگیری تهدیدات نظامی به‌جای کاربرد سلاح نظامی، برای ترغیب رقیب به خویشترداری و ترک اهداف بلندپروازانه نظامی» است (سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ص ۲۶۲). بازدارندگی در اسلام از آیه ۶۱ سوره انفال قابل استنباط است. همچنین، در قرآن از رژه رفتن و سان‌دیدن نیروهای نظامی یاد شده است: «سپاهیان سلیمان از جن و آدمی و پرند گرد آمدند و آنها به صف می‌رفتند» (نمل: ۱۷). نمونه‌ای از کاربست این تاکتیک که نقش به‌سزایی در جذب و جلوگیری از

جنگ تمام‌عیار داشت، ماجرای فتح مکه است. پیامبر (ص) دستور دادند که هنگامه شب هر فردی دهن آتش روشن نماید تا با این کار، رعب و وحشت در دل مشرکین ایجاد شود. همچنین، پیامبر (ص) به عمویش عباس فرمود: ابوسفیان را مدتی نگه دارد تا لشکر مسلمانان را ببیند. وی وقتی مانور رزمندگان اسلام را دید به فکر فرو رفت و با برگشت به میان مکیان، آنها را از جنگ با مسلمانان برحذر داشت (ابن هشام، ۱۳۵۵ق: ج ۴، ص ۴۰۳). مردم مکه با دیدن این صحنه‌ها، عده و عده مسلمانان را بیش از حد تصورشان دیدند و متوجه شدند که این قدرت عظیمی که امروز نصیب مسلمانان شده است، دال بر حقانیت آنان است که در مدت کمی به این عظمت و ابهت رسیده‌اند. سرانجام، دست از مقاومت برداشتند و شهر مکه بدون خونریزی به دست مسلمانان قرار گرفت و همه، مسلمان شدند. بنابراین، قدرت نظامی از منابع کلیدی قدرت سخت است که گاهی می‌توان از آن در راستای قدرت نرم بهره جست. قدرت سخت برای دیکتاتورها، افسانه‌ها و اسطوره‌هایی از شکست‌ناپذیری را به وجود می‌آورد؛ تا دیگران را با این شگرد جذب کنند. اما دولت اسلامی، قدرت سخت را در خدمت مصالح انسان، دفاع از مظلومین و برداشتن موانع هدایت قرار داده است که می‌توان در مواقعی نیز در جهت اهداف دیپلماسی عمومی به کار بست.

۵. نتیجه‌گیری

مفهوم دیپلماسی عمومی اگرچه تولیدشده در ادبیات اسلامی نیست؛ اما ظرفیت‌های شکلی و محتوایی آن از این منظر از غنای خاصی برخوردار است. دولت اسلامی حامل و دارای پیام بزرگی برای مخاطبان جهانی و فراگیرشان است و از رهگذر دیپلماسی عمومی به دنبال تحقق نقشه جامع الهی جهت غلبه بر کفر و الحاد می‌باشد. پیامبر (ص) با همین ابزار توانست انسان‌ها و ملت‌های بسیار را در سراسر جهان به نحو مختارانه و آزادانه به اسلام و ارزش‌های آن جلب و جذب نمایند و از این طریق، راه اسلام را به سمت یک قدرت جهانی هموار ساختند. در دیپلماسی عمومی اسلامی مسئله مهم فراتر از قبولاندن سیاست‌ها، بحث ارزش‌ها و جاذبه‌های معنوی هستند که ملت‌های دارای فطرت‌های بیدار را به سمت خود جذب می‌کند. از این‌رو، دیپلماسی عمومی اسلامی مبتنی بر ارزش‌های الهی، اخلاق‌مدار و معیارهای دینی است و با سیاست‌های سلطه‌گری، استعمار و استثمار، بی‌عدالتی، نابرابری و تبعیض، پیوند ندارد، و خواهان جهانی شدن علم، عقلانیت، معنویت، عدالت، صلح، امنیت، رشد و تعالی انسان‌ها و ملت‌ها در سراسر جهان است. در این تحقیق، مهم‌ترین راهبردها و تاکتیک‌های دیپلماسی عمومی اسلامی، مورد بحث و بررسی قرار گرفتند. این راهبردها ضمن آنکه چهره انسانی و صلح‌طلبی دولت اسلامی را به جهانیان نشان

می‌دهند، باعث جذب آنها به اسلام و ارزش‌های آن نیز می‌شوند. همچنین، تحولات ایجابی بنیادین و بدیعی را از خود برجای گذاشته و موجب گسترش اسلام در میان ملت‌های دور و نزدیک می‌گردند و همواره از توانایی بالایی در ایجاد جذابیت و تأثیرگذاری بر ملت‌ها برخوردارند؛ که اگر به‌درستی در دیپلماسی عمومی دولت اسلامی فعال شوند، می‌توانند مولد قدرت نرم باشند و دل‌ها و ملت‌های زیادی را به اسلام جذب نمایند. امروزه، مؤلفه‌هایی مانند جهانی‌شدن، توسعه فناوری، رسانه‌های فراگیر، تجارت جهانی، توریسم و جامعه مدنی جهانی، راه را برای اثرگذاری دیپلماسی عمومی اسلامی و راهبردها و تاکتیک‌های آن بیش از پیش گشوده‌اند.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ابن کثیر، ابی الفداء اسماعیل بن کثیر (۱۴۰۸ق). *البدایه و النهایه*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، موسسه التاریخ العربی.
- ابن هشام، عبدالملک بن هشام (۱۳۵۵ق). *السیره النبویه*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۴.
- احمدی میانجی، علی (۱۴۱۹ق). *مکاتیب الرسول (ص)*. تهران: دار الحدیث، ج ۲.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۲). *دیپلماسی و رفتار بین المللی در اسلام*. تهران: سمت.
- افتخاری، علی اصغر (۱۳۷۷). *سیره تبلیغی پیامبر اکرم (ص)*؛ درآمدی بر سیاست تبلیغی اسلام در عصر ارتباطات. تهران: نشر سازمان تبلیغات.
- ایزدی، فواد (۱۳۹۰). *دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال ایران*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- بشیر، حسن (۱۳۹۵). *دیپلماسی گفتمانی: تعامل سیاست، فرهنگ و ارتباطات*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- بیلیس، جان؛ اسمیت، استیو (۱۳۸۳). *جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین*. ترجمه ابوالقاسم راه چمنی. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
- پانی پتی، ثناء الله (۱۴۱۲ق). *التفسیر المظهری*. کویت: مکتبه رشدیة، ج ۱۰.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۹۰). *دیپلماسی پیامبر (ص)*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- حمیدالله، محمد (۱۳۷۴). *نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد (ص) و اسناد صدر اسلام*. ترجمه سید محمد حسینی. تهران: سروش.
- خانی، محمدحسن (۱۳۸۴). *دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها*. دانش سیاسی، شماره ۲.
- خسروی، محمدعلی؛ جباری ثانی، عباسعلی (۱۳۹۰). *ظرفیت فرهنگی ج.ا.ا در دیپلماسی عمومی*. *مطالعات سیاسی*، ۳(۱۱).
- درخشه، جلال؛ غفاری، مصطفی (۱۳۹۰). *دیپلماسی عمومی ج.ا.ا در جهان اسلام: فرصت‌ها، اقدامات، اولویت‌ها و دستاوردها*. *مطالعات فرهنگ ارتباطات*، ۱۲(۱۶).
- ذهارنا، روندا (۱۳۹۲). *دیپلماسی عمومی و ارتباطات استراتژیک آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر*. ترجمه مهدی ذوالفقاری. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۳). *دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام*. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- سنجایی، علی رضا (۱۳۷۵). *استراتژی و قدرت نظامی*. تهران: بی نا.
- سیف‌زاده، سید حسین (۱۳۸۴). *نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین الملل فردی - جهانی شده: مناسبت و کارآمدی*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- صانعی، مرتضی (۱۳۹۱). *بررسی تطبیقی دعوت اسلامی و تبشیر مسیحی و راهکارهای عملی دعوت اسلامی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۳). تاریخ طبری. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات اساطیر، ج ۳.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۹). فقه سیاسی: حقوق تعهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام. تهران: سمت.
- فاطمی صدر، امیر (۱۳۹۳). دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: لبنان). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- فانزی، علی (۱۳۷۸). سیاست خارجی پیامبر اسلام (ص). قم: زائر.
- کالینیز، جان ام (۱۳۷۰). استراتژی بزرگ (اصول و رویه‌ها). ترجمه کوروش بایندر. تهران: وزارت خارجه.
- گنورگیو، کنستانتین ویرژیل (۱۳۷۶). محمد (ص) پیغمبری که از نو باید شناخت. ترجمه ذبیح‌الله منصوری. تهران: زرین.
- مانهایم، یارول بی (۱۳۹۰). دیپلماسی عمومی راهبردی و سیاست خارجی آمریکا؛ گسترش نفوذ. ترجمه حسام‌الدین آشنا و محمدصادق اسمعیلی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۷۵، ۱۰۸.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). نظریه سیاسی اسلام. قم: مؤسسه امام خمینی.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۳۹۰). الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. قم: تهذیب، ج ۲.
- موسوی، سید محمد (۱۳۸۴). دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام. تهران: دانشگاه پیام نور.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد (۱۳۷۱). مثنوی معنوی. تهران: امیرکبیر.
- میلسن، ژان (۱۳۸۷). دیپلماسی عمومی نوین: کاربرد قدرت نرم در روابط بین‌الملل. ترجمه رضا کلهر و محسن روحانی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- نوروزی خیابانی، مهدی (۱۳۸۰). فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی. تهران: نشر نی.
- هیوود، اندرو (۱۳۹۶). سیاست جهانی. ترجمه عبدالرحمان عالم. تهران: قومس.
- Berridge, G.R. (2002). *Diplomacy: theory and practice*. New York: Palgrave.
- Melissen, J. & Fernandez, A.M. (2011). *Consular affairs and diplomacy*. Leiden; Boston: Martinus Nijhoff Publishers.
- Snow, N. & Taylor, P.M. (2009). *Routledge Handbook of Public Diplomacy*. London: Routledge.